

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل  
۲۹ جولای ۲۰۲۰



یونس نگاه

## حق شک

### (رحمت الله نبیل چه می خواهد؟)

یادآوری: اگر مخالف یا طرفدار جدی آقای نبیل نیستید و سخنرانی اخیر او را شنیده‌اید، وقت خود را به خواندن این متن ضایع نکنید. ولی اگر نبیل را دوست دارید یا از او بدتان می‌آید، این تبصره را بخوانید.

آقای نبیل که سابقه کار و تماس با ادارات ملل متحد، سفارت‌خانه‌ها، ادارات دولتی و ریاست امنیت ملی را دارد و در دور اخیر انتخابات کاندید ریاست جمهوری بود در شرایطی که به نظر می‌رسد تصمیم سرنوشت‌ساز درمورد آینده نظام سیاسی، جنگ، صلح و منابع طبیعی کشور گرفته می‌شود، خواهان حق است، حق شک. او از امریکا، پاکستان و حکومت مشارکت ملی می‌خواهد به او حق شک بدهند.

نبیل مدعی است که برایش گفته شده اگر سکوت نکند، اسپیشل فورس به‌جانش خواهد آمد. نبیل می‌گوید که به روند صلح شک دارد و خلیل‌زاد و حکومت افغانستان و دولت پاکستان به او حق نمی‌دهند که شک خود را بیان کند.

او مدعی است که خلیل‌زاد در پروسه صلح مقاصد اقتصادی دارد و پسرش، الکساندر بینارد، برای سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی افغانستان پس از صلح طالبان، توظیف شده است. نبیل می‌گوید که قطر و پاکستان نیز آشکارا امیال خود را برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و معادن دیگر افغانستان بیان کرده‌اند.

نبیل داعشیان را سربازان آی‌اس‌آی {اعضای لشکر طیبه، لشکر جنگجوی، گروه حقانی، طالبان و افسران بازنشسته اردو و استخبارات پاکستان} می‌خواند و مدعی است که پاکستان برای کنترل آب، معادن و سیاست افغانستان از سه نیروی طالب، داعش و تحصیل‌کردگانی که در ادارات دولتی افغانستان در پست‌های حساس و بلند کار می‌کنند {تعدادی

به گفته او حتی میجر و کرنیل پاکستانی‌اند} استفاده می‌کند. او می‌گوید حمایت ایران و روسیه از طالبان نیز حاصل تلاش و تبلیغات پاکستان است و در واقع این کمک‌ها، تحقق اهداف آن کشور را آسان می‌سازد. او بعد از توضیح شک‌ها و باورهایش تأکید می‌کند که این شک کردن هزینه دارد و شاید به قیمت جان‌ش تمام شود. او گفت: "این حق من است، حتی اگر به قیمت سرم تمام شود، که به نیت پاکستان شک کنم".

نبیل حکومت را نیز دارودسته‌های متشنت و مخالف هم، تصویر می‌کند که در پی تخریب نظام‌اند، نظامی که به گفته او با خون مردم آبیاری شده تا درخت تنومند شود و ما زیر سایه‌اش بنشینیم و از میوه‌اش بخوریم، اما اکنون نه تنها امیدی به سایه و میوه‌اش نیست بلکه موریانه‌ها و کرمک‌ها آن را از درون پوسیده‌اند و ممکن با هر شمالی فروغلتند. او حاکمان فعلی را اشخاصی تصویر می‌کند که در پی چور کردن آخرین غنایم قبل از طوفانی می‌باشند که ممکن همه چیز را زیرورو کند. توظیف رئیس بانک مرکزی، به گفته او با صلاحیت‌های ویژه، نیز بخشی از پلان چور و پول‌شویی یک تیم دولتی است. از سخنان نبیل به شنونده این برداشت دست می‌دهد که دولت‌داران امیدی به بقای نظام کنونی ندارند.

\*\*\*\*\*

### نبیل چه راه‌های حلی پیشنهاد می‌کند؟

نبیل با آن‌که تشریفات معمول سیاسی را در سخن از مردم رعایت می‌کند و می‌گوید هیچ افغان با صلح واقعی مخالف نیست، مردم حق دارند سؤال بپرسند و شک کنند، مردم با خون خود نهال نظام را آبیاری کرده‌اند، ده میلیون لیتر خون داده‌اند، تفکیک خوب و بد را می‌توانند و حکومت باید به مردم پاسخ بدهد. اما مردم در سخنان نبیل کی‌هایند؟ من و شما یا خود او؟ قومندانان، وکیلان، رهبران و منتقدان قدرت‌مندی که خواهان سهم‌اند یا معلم و داکتر و محصل و دهقان و کارگر و دیگرانی که به گفته او اکثریت وطن‌دوست‌اند؟

نبیل از سه گروه مردم یاد می‌کند.

یک) آنانی که ۹۰ درصد زیر خط فقراند، برای آبیاری نظام خون داده‌اند، از فساد و تبعیض رنج می‌برند، پیش پای طالبان هنگام ورود بار اول‌شان در مکروریان سه، گل پاشیدند و با آن‌که پدران‌شان حرکتی یا جمعیتی بودند امروز برای طالبان می‌جنگند. نبیل از این مردم نه تقاضای جدی دارد و نه امیدی. نه آنان را به وحدت می‌طلبد، نه خود و گروهش را به بسیج و آگاهی‌دهی این مردم موظف می‌داند و نه از روشنفکران و سیاست‌مداران خارج از دستگاه‌های حکومت و طالب می‌خواهد که برای ایجاد راه بدیل به این مردم روی آورند و پایگاه اجتماعی ایجاد کنند تا در طوفانی که قرار است راه افتد، در برابر تروریستان، دلالان مالی و اقتصادی، و آنانی که نظام‌مند تبعیض و فساد می‌کنند ایستادگی شود و بعد از طوفان وطن تازه‌ای با پشتیبانی این اکثریت وطن‌دوست بسازیم.

دو) مردم نام دوم خود نبیل و دوستان سیاسی اوست. وقتی می‌گوید باید به مردم حق شک داده شود، مردم در تصمیم‌گیری‌ها سهیم شوند، به سؤال‌های مردم پاسخ داده شود، قصدش از خود و همتایانش است. چون او در سخنرانی‌اش توضیح می‌دهد که به خاطر شک کردن به پاکستان و خلیل‌زاد برایش هشدار و تهدید صادر شده است، می‌گوید دو سال است با او مشوره نمی‌شود، می‌گوید شاید در این شک‌کردن‌ها سرش را از دست بدهد. او درد این گروه مردم را با فاکت و احساس عمیق می‌شناسد و خود را موظف به دفاع از آن می‌داند. برای رسیدن به حق شک و ورود مجدد به محافل تصمیم‌گیری از شما یا همان گروه اول مردم نه تقاضایی دارد و نه امیدی. او منبع قدرت و حمایت را همان‌جائایی می‌داند که از آن‌ها گله‌مند است: می‌گوید با امریکا و خلیل‌زاد دوست است و آنان انتقادش را نباید دشمنی تعبیر کنند. او از خلیل‌زاد انتظار دارد که نبیل و دوستانش را در بازی سهیم سازد. به پاکستان می‌گوید شک داشتن به

نیات آن کشور نباید دشمنی تلقی شود و او که سیاستمدار است، حق دارد از چند و چون ماجرا اطلاع یابد و شک‌هایش برطرف گردد. از نظام هم می‌خواهد که به او به دیده دشمن نگاه نکند. او خواهان حضور است و باید به شک‌هایش پاسخ داده شود. نظام را از خود می‌داند و می‌گوید نظامی که او امروز در سایه‌اش کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرده، غنیمت است. سرنگونی نظام، محاکمه و خلع قدرت کسانی را که به گفته او سیستماتیک مصروف فساد و تبعیض و کار برای بیگانگان {به خصوص پاکستان و ایران را یاد می‌کند} می‌باشند، نه در برنامه دارد و نه از مردم طلب می‌کند. او از طرف‌های حکومت مشارکت ملی تقاضا دارد که به شک و سؤال مردم پاسخ بگویند. از عبدالله می‌خواهد که با چند وکیل شورای ملی {که مردم آنان را در چور و جنگ سهیم می‌دانند} باخود گرفته مستقیم به قطر برود و از رهبران طالبان بخواهد که خواسته‌های خود را رک و پوست‌کنده بیان کنند تا در مذاکره رویاروی افغانی {بین کسانی که به گفته نبیل آله دست‌آس‌آی و عامل نفاق ملی‌اند و گروهی از آنان مصروف کشتار مردم و گروهی درکار فساد و تبعیض سیستماتیک می‌باشند} حکومتی را بسازند که نه "امارتی به آن تندی و نه جمهوری‌تی به این بی‌مزگی" باشد.

سوم) نبیل مردم را معادل مجاهدین خوب، خلقی‌های خوب، طالبان خوب و حکومتی‌های خوب می‌داند و از آنان دعوت می‌کند که دست به دست هم داده از بربادی جلوگیری کنند. نبیل هرچند خطاب به مردم از زن و مرد، خلق و پرچم، مجاهد و دیگران نام می‌برد که گردهم آیند و برای نجات بکوشند، ولی چند ثانیه بعد آشکار می‌سازد که جمع‌شدنی‌های او و آنانی که انتظار دارد تلاش کنند همان گروه سیاستمداران و زورمندان است که در نظام یا بیرون از آن مصروف تجارت و غارت‌اند. او در همان‌جا از عبدالله می‌خواهد که چند وکیل را گرفته به قطر برود. او اگرچه می‌گوید قانون را مطابق شرایط اجتماعی افغانستان بسازیم ولی در ساختن این قانون از رهبران حکومت و طالبان می‌خواهد که باهم همکاری کنند. او اگرچه می‌گوید صلح باید از پائین به وجود آید، ولی از همان عاملان جنگ و تفرقه می‌خواهد که پاسخگو باشند و اعتماد مردم را جلب کنند تا صلح به‌میان آید.

آقای نبیل در آخر پیشنهاد می‌کند که در چهار بخش، جنبش سراسری تشکیل شود: (۱) مبارزه با فساد. (۲) مبارزه با تبعیض. (۳) مبارزه با موریانه‌های نظام. (۴) نظارت افغانی از صلح.

اما، متأسفانه هیچ طرحی برای تشکیل چنین جنبش‌های سراسری مطرح نمی‌کند که جدا از همان حلقه‌های به گفته او فاسد و تبعیض‌گر و موریانه و جنگره باشد. از توضیحاتی که در جریان سخنرانی‌اش شنیدیم او برنامه‌ای برای ایجاد جنبش ندارد و احتمالاً تمایلی هم به این کار ندارد، چون ذهنش مثل سایر بازیگران برحال یا در حال انتظار سیاست افغانستان انجویی-ملل‌متحدی و سفارتی است. او ممکن مردمش را دوست داشته باشد، اما خواستگارش مردم نیست، روابطش مردمی نیست و ابزار مردمی در اختیار ندارد. او دوستانی در ملل متحد، آشنایانی در سفارتخانه‌ها، همکاری در استخبارات و ادارات دولتی دارد. خارج از میدانی که پاکستان و امریکا-ناتو تعریف می‌کند او بازی‌گر نیست.

تشویش‌های آقای نبیل شنیدنی بود و به کسانی چون من در شناخت وضعیت جاری کمک کرد. اما، در ساختن راه بدیل نمی‌توان به او امید بست.